

فتنه و ایمان

(۵)

عنوان محارب است * چرا آیات کيفر محارب و مفسد در ذیل قصه هابیل و قابیل آمده؟ آیا عنوان ارجاف یعنی شایعه پراکنسی علیه دولت حقی که در قرآن است از مصادیق فتنه و افساد روی زمین است؟ اشاره اجمالی به «مرجفون فی المدینه» و کيفر سخت و دشوار شایعه سازها و دروغ پراکنها و اخطار قهرآمیز قرآنی آیا اخطار قانونی نیست؟ دولتمردان و مسئولان حکومت اسلامی بدانند...

* فتنه دارای دو چهره * فتنه الحاد آفرین، اشد و اکبر از قتل است * ام هانی خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام روایتی در باب فتنه دارد * فتنه الحاد آفرین در شکل های مختلف مورد بهره برداری ائمه کفر و استعمار است و از آن جمله در شکل قوانین ابلیسی خصوصاً در امور آموزش و پرورش و مراکز علمی و رسانه های گروهی، و القاء شبهات بیهانه بحث آزاد و غیره که جمله گوی در عنوان افساد فی الأرض داخل است و کيفر عامل آنها کيفر محارب است * عنوان مفسد فی الأرض اعم مطلق از

قتل نفس محترم، شدیدتر و عظیم تر است، چه قتل نفس به غیر حق، مایه حرمان مقتول از استمرار حیات طبیعی است و احیاناً سبب علو درجاتش می شود.

ولی فتنه الحاد آفرین، مایه بدبختی ابدی و خلود در آتش غضب خداوند شدید العقاب می شود و مفتون ملحد برای همیشه از بهره وری از نعمتهای جان نواز و لقاء پروردگار محروم و محجوب است، و همین است معنای آیه کریمه: «والفتنة اشد من القتل» (البقره: ۱۹۱) و آیه کریمه: «والفتنة اکبر من القتل» (البقره: ۲۱۷).

فتنه مشرکین نسبت به مؤمنین که مورد نزول آیات مزبور است فقط بیان مصداق و جزئی از قاعده فراگیری است که آیات شریفه افاده فرموده اند و میزان و مناط در این قسم از فتنه همانا

چنانکه گفتیم: فتنه دارای دو چهره و دورو است، از یکا روبه خداوند متعال انتساب دارد و از روی دیگر و چهره دومی به خلق با آن روی و چهره که به حق تعالی انتساب می یابد و خداوند متعال فاعل فتنه است، چهره حکمت و مصلحت نظام آفرینش است که وجود فتنه و گدازه اختیار و امتحان در تکمیل فرد و جامعه از سنتهای ضروری الهی است که بقدر مجال در این زمینه بحث و گفتگو کردیم.

و با آن روی و چهره که به غیر خدا نسبت می یابد و انسان یا شیطان و یا دیگری فاعل فتنه است چهره و وجه گمراهی و شقاوت است، و گناه و وزر مترتب بر فتنه ای که موجب ضلال از صراط مستقیم و خروج از دین است، از گناه و وزر مترتب بر

الحاد آفرینی فتنه و اخراج مفتون از دین است در هر شکل و قیافه‌ای که باشد در شکل اذیت و شکنجه یا غیر آن.

مشرکان مکه با القاء شبهات و ایجاد انواع آزارها و شکنجه‌ها کوشش می‌کردند تا مؤمنان را ملحد نموده و از ایمان بیرونشان کنند، و وجود سرشار از ایمانشان را تهی کرده و بصورت کهنه اتبانی پراز استخوان بلکه مملو از کفر و عصیان درآورند، چنانکه فتنه‌ها و شکنجه‌های طاقت‌فرسای به عمار و یاسر و سمیه و عبدالله برادر عمار و بلال و صهیب و خباب بن ارت مشهور است که همچون کیمیائی وجود آنان را بوجود

متعالی مغبوط مبدل ساخت.

عمار متکرراً با آتش، شکنجه می‌شده و بر او داغ می‌نهادند که از اسلام برگردد و پیغمبر گرامی صلی الله علیه و آله هنگامی که گذارش بر وی می‌افتاد، آثار داغ‌ها و شکنجه‌های با آتش را در بدن عمار همچون لکه‌های برص مشاهده می‌کرد.

از ام‌هانی خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که گفت: عمار و پدرش یاسر و مادرش سمیه و برادرش عبدالله در راه خداوند متعال با آتش، شکنجه می‌شدند. و گذار رسول الله صلی الله علیه و آله بر آنان افتاد، فرمودند: «صبراً آل یاسر، صبراً آل یاسر، فان موعدکم الجنة» و در روایتی: «صبراً یا آل یاسر، اللهم اغفر لآل یاسر وقد فعلت».

یاسر زیر شکنجه چنانی، شهید شد و سمیه آن پیرسالخورده سرشار از عشق و ایمان بخداوند متعال را طوفان شکنجه‌های گوناگون که شدیدترین همانا تهمت‌هایی بوده که بوجهل به وی روا می‌داشت نلغزاند، و آن پیر برنا دل بنور ایمان در این پیکان، همچون بنیانی مرصوص، استوار ماند، و سرانجام بدترین و بی‌شرمانه‌ترین کیفیت کشتن را که امتیازی است برای او بر وی روا داشتند و فاتحانه به «دارالسلام عند ربهم» شتافت.

و بلال بدست امیه بن خلف انواع شکنجه‌ها از آن جمله گشنگی‌ها و تشنگی‌ها را چشیده و در چنین حالی او را بر ماسه‌های گداخته می‌انداخت و سنگی گران برشانه‌اش می‌نهاد و بدو می‌گفت: یا مردن یا برگشت از اسلام و پرستیدن لات و عزری و گاهی ریسمان بر گردن وی می‌افکند و بدست اطفال بی‌ازبایی می‌داد...

و از خباب بن ارت نقل شده که گفت: روزی با آتش

افروخته در شانه‌ام شکنجه می‌شدم، ناگهان آتش فروزان با جوشش روغن شانه‌ام به خاموشی گرائید!!

و اما مفتون ملحد چنانکه گفتیم برای همیشه از لقاء الله تعالی محجوب است، و چنین فتنه سعادت سوز و شقاوت آفرین در منطلق وحی، اشد و اکبر از قتل نفس بغیر حق است در صورتی که قتل نفس محترم در منطلق قرآن کریم، بمنزله قتل همه مردم است: «من قتل نفساً بغیر نفس اوفساده فی الأرض فکانما قتل الناس جمعاً» (المائدہ: ۳۲).

بهره‌برداری استعمارگران از فتنه الحاد آفرین

فتنه الحاد آفرین همانگونه که گفتیم متشکل به اشکال مختلفی می‌شود که شکلی از آن در هیئت ایذاء و شکنجه می‌باشد و نمونه‌ای را یادآور شدیم و اشکال فریبنده دیگری دارد که مورد بهره‌برداری ائمه کفر و استعمارگران گردیده و می‌گردد مانند شکل‌های متنوع قوانین الحادی خصوصاً در امور آموزش و پرورش و مراکز علمی و رسانه‌های گروهی، و شکل‌های مختلف اشاعه فحشاء و منکرات و امور سکسی و بی‌عفتی و انحراف اخلاقی و ترویج باطل و القاء شبهات و بحث آزاد و بی‌قید به بهانه دموکراسی، و ساخت و پخش مواد مخدر و مشروبات حرام و کشف حجاب و اختلاط دختران و پسران و مردان و زنان و تأسیس عشرتکده‌ها و قمارخانه‌ها و استخرهای شنا و انتشار نشریات گمراه‌کننده، و احتکار اجناس مورد نیاز ضروری مردم و سوزاندن خرمن‌ها و نظائر اینها بقصد مقابله با حکومت حق و اخراج مردم از ایمان و اسلام انجام پذیرد و عامل چنین فتنه‌ای مقصد فی الأرض است و کیفر وی همان کیفر محارب است به این توضیح که در ذیل آیه کیفر محارب و مفسد می‌گوئیم:

«انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الأرض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او یسفوا من الأرض...» (المائدہ: ۳۳).

یعنی: «همانا کیفر کسودار کسانی که به محاربه با خدا و رسولش بر می‌خیزند و در فساد روی زمین می‌کوشند، قتل مفتضحانه یا دارآویز رسواگرانه یا بریدن دستها و پاهایشان بنحو خلاف یا نفی از روی زمین است...».

آیه شریفه در خلال بحث از سیئات اخلاقی یهود و بیان فتنه‌گریهای آنان آمده است، آن گروه از یهودیانی که وجودشان

لبریز از حسد و عداوت بر پیمبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله بوده و هست و در همه اطوار و ادوار تاریخ اسلام مایه فتنه و خونریزی میان مسلمین بوده و می باشد.

قرآن کریم در خلال بحث مزبور، یهودیان را به قصه دو فرزند آدم «هابیل و قابیل» توجه می دهد که هر دو قربانی به منصفه آستان قرب پروردگار آوردند، ولی نیت پاک و اخلاص یکی موجب قبول قربانی وی شد، و سوء ادب و خبیث طینت آن دیگری، سبب حرمان قبولی قربانیش گردید، و آتش تفتیده رشک و حسد و جمره گداخته خشم و غضب در وی زیانه کشید و خرمن عمر برادرش را سوزاند و خود در جرگه زیان کاران داخل شد، باشد که یهودیان و هر عبرت پذیری در این قصه نیک بیندیشند و دریابند که انسان طبعاً فزونی طلب و متجاوز است زیرا مفسطور بر عشق به کمال است و از هر نقصی گریزان می باشد: «فطرة الله التي فطر الناس عليها» و همین سرشت است که او را بر رشک بردن به ما فوق بر می انگیزد و بر او بغی و تجاوز روا می دارد، و هیچ راه خلاصی برای انسان از این نهاد تجاوز نیست مگر با پیروی از دین حنیف که قائل و مائق انسان در متن صراط مستقیم است.

پس دین حنیف و بعبارتی، روش و نظام منطبق با آفرینش، یگانه تأمین کننده سعادت انسانها است و ستیزه با آن، ستیزه مستقیم با مقتضای ربوبیت الله تعالی و رسالت سفیر مکرم او است، و مال ستیزه گر دوری و حرمان از لقاء الله که عین عذاب دردناک است می باشد و کیفر دنیوی آن، یکی از کیفرهای چهارگانه مذکور در آیه است.

مخاربه کیست؟

مخاربه مشتق از حرب است و حرب، ضد یا نقیض سلم است، اینکه گفته می شود: فلانی آدم سلمی است یعنی دیگران از ایذاء و تجاوز او درامانند و از او خوفی برمال و عرض و جان ندارند و بحکم تقابل، حرب عبارت است از ایجاد خوف و سلب آرامش و امنیت از مردم که طبعاً همراه با آلت و وسیله اضافه است و بنابراین مخاربه مرادف با مقاتل نیست بلکه کسی است که به وسیله ای از وسائل، سبب خوف مردم می شود و امنیت

نظام صالح را متزلزل می کند.

نسبت بین افساد و محاربه

و اما فساد، نقیض صلاح است و راغب در مفردات می گوید: «فساد بیرون رفتن چیزی از حد اعتدال است» و علیهذا افساد در روی زمین خارج ساختن دین حنیف و نظام الهی سعادت آفرین از حد اعتدال است چه این افساد با ایجاد رعب و وحشت با آلت خوف زا باشد یا بدون آن، و از این رو نسبت بین افساد در روی زمین و بین محاربه، نسبت عموم و خصوص مطلق است یعنی بر هر چه که محاربه صادق می کند افساد نیز صادق است ولی بر شکلهای گوناگون فریسنده الحاد آفرین که نمونه هائی را ذکر نمودیم، افساد صادق است و محاربه بر آنها صادق نمی کند، بلکه اکثر آن امور برای اهل فسوق چون آب جهت ماهی است، نه فقط همراه با رعب و ترس نیست که مایه انس و طیب خاطر و آرامبخش درون تیره و فاسد آنها است.

مرحفان و شایعه پراکنان

بنظر می آید که عنوان ارجاف: «شایعه پراکنی علیه رزم و رزمندگان بقصد تضعیف حکومت اسلامی از طریق ایجاد تشویق و اضطراب در مردم از مصادیق فتنه و افساد در روی زمین است که در عصر رسول الله صلی الله علیه وآله این عمل ابلیسی را برخی از عاقبت طلبهای خناس «لیبرال» انجام می دادند؛ این فریبکاران شیخ شده، علاوه بر اینکه در غیبت رزم آوران فی سبیل الله، متعرض نوامیس اهل ایمان می شدند و در معبرها و کوچه و پس کوچه ها با آنان متلک می گفتند و مزاحمت فراهم می آوردند، باشد که روحیه صبر و صلابت را در آنان بشکنند و مآلاً دولت اسلامی را دچار وهن کنند، شایعه سازی می نمودند و اخبار دروغ جعل می کردند و می گفتند: تجهیزات دشمن بسیار قوی و جمعیتشان فوق العاده زیاد بوده و قشون مدینه چون اندک بود جملگی متلاشی و نابود شدند. و از این قبیل ترهات. با اینگونه دروغ پراکنی و شایعه سازی می خواستند تشویق و اضطراب در مردم پدید آرند و بالتجیه فتور و سستی در صفوف پیکارگران فی الله ایجاد کنند، و خشم ملتهد کفرسوز سپاهیان

اسلام را بخاموشی کشانند، و دیو گرفتار شده در لهیب غضب حزب الله را خلاصی بخشند که این اخطار جاودانی از اسم مبارک قهار بر قلب رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم نازل گردید: «لئن لم ينته المنافقون والذين في قلوبهم مرض والمرجفون في المدينة لنغرينك بهم ثم لايجاورونك فيها الا قليلاً ملعونين اينما تلقوا اخذوا وقتلوا تفتيلاً» (سوره احزاب: ۶۰-۶۱).

«اگر منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان در مدینه علیه رزم و رزمندگان از این اعمال «خشناسی» باز نایستند حتماً ترا بر آنان می شورانیم که در کمترین مدت بمجاورتشان در مدینه خاتمه دهی، اینان ملعونند هر جا که باشند باید مأخوذ شوند و به دشوارترین قتل نابود گردند».

هشدار به دولتمردان و مسئولان

این اخطار قهرآمیز (اخطاری که هیچگونه توانی و مسامحه و بی تفاوتی در حریمش جرأت عرضه ندارد) در حفظ مرز امنیت داخلی کشور اسلامی باید نصب العین حکومت اسلامی باشد، بی تفاوتی و (العیاذ بالله) باین دستور الهی و هر دستور دیگر الهی به بهانه اینکه قانونی نیست، اگرچه قرآنی است همراه با ندامت و پشیمانی است باید دولتمردان و مسئولان حکومت اسلامی بدانند:

رگ رگ است این آب شیرین و آب شور

بر خلابی می رود تا نسیخ شود

و این آب شور ارجاف و شایعه سازی لیبرال خناس تا ظهور حکومت عدل جهانشمول ولی الله الأعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در جریان بلکه در عصر حکومت آن جان جهان نیز جاری است و این خود یک سنت تغییرناپذیر الهی است که حاملان رسالات بدان مبتلا بوده و هستند و خواهند بود. قال الله تعالی: «ما يقال لك الا ما قد قيل للرسل من قبلك» (فصلت: ۱۳): و این روش اهریمنی و حق شکنی از آن اسلاف «ملعونین» در منطق قرآن به اخلاف اخوان الشیاطین در اعصار متوالی با توأسی و سفارشات اکیده بمریث رسیده و می رسد و صدق الله العلی العظیم: «كذلك ما اتى الذين من قبلهم من رسول الا قالوا ساحر او مجنون اتواصوا به بل هم قوم طاغون» (الذاریات: ۵۲ و ۵۳).

باری! توافق مفسدان در کیفیت پیکار با حکومت حق و عدل در طول تاریخ یک اصل مسلم قرآنی است و اختلاف اقوام و ملل و فاصله های زمانی و مکانی و تفاوت های منطقه ای و جغرافیائی، کمترین تأثیری در دگرگونی یا تغییر تشابه مفسدان در روش اهریمنی و حق کشی نداشته. جمعی حسود و مبتلا به بیماری هذیان بزرگ منشی دزدی روحانیت، و گروهی در هیئت روشنفکری و لیبرالی و گروهی ... با وسائل مختلف و از آن جمله با ارجاف و شایعه سازی و انتشار اکاذیب و نشریات مزورانه و مدلسانه جهت تضعیف حکومت حق و عدالت قیام و اقدام کرده اند و لکن «لا یحیی المکر السیء الا باهله».

پوشگاه علم انسانی و مطالعات فرهنگی

بقیه از ملاحم یافته های ...

کار دل فهمیدن است و اگر انسان فهمید و به چیزی معتقد شد، آن وقت است که به آن عمل می کند.

بنابر این، ما نباید چنین باشیم که گاهی منقلب شویم و حالی به ما دست بدهد، بلکه باید تقوا ملکه ما باشد و بگونه ای باشد که هرگز حق را از یاد نبریم. شما که در بازار مشغول کسب هستید، شما که طلبه اید و تبلیغ دین می کنید، شما که دستگاه رادیو و تلویزیون را در اختیار دارید، شما که قاضی هستید و قضاوت می کنید، شما که

معلم می باشید و روح فرزندان مردم را پرورش می دهید، شما که کشاورزید و از این راه امرار معاش می کنید، شما که با کار کردن در گرما و سرما قوت خود را بدست می آورید، شما که پشت میز اداره نشسته اید و شما که نخست وزیر یا رئیس جمهور و یا هر پست دیگری بدست دارید، باید همه طالب و حامی حق باشید و ملاک را حق قرار دهید و هرگز دنبال هوی و هوس نباشید؛ زبان شما باید حق گوید، چشمانتان حق بیند، دستتان به ناحق دراز نشود و خلاصه از قلبهای شما نیز حق و حقیقت تراوش کند و تمام اعضا و جوارحتان در پی حق و دنبال حق باشد. خداوند اتوفیق فهمیدن حق و پیروی از حق و حقیقت را به همه ما عنایت فرما.